



## Historical Sociological Analysis of Mukhtar Saghafi's Uprising Based on Charles Tilly's Collective Action Theory

Leila Jalilian<sup>1</sup>, Talate Dehpahlavan<sup>2\*</sup>, Sajad Dadfar<sup>3</sup>

1 Master's student in Islamic History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran, email: [leila.jalilian1364@gmail.com](mailto:leila.jalilian1364@gmail.com)

\*2. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran, Email: [Talatdehpahlavan@yahoo.com](mailto:Talatdehpahlavan@yahoo.com)

3. Associate Professor, Department of Historical Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran, Email: [sdadfar@razi.ac.ir](mailto:sdadfar@razi.ac.ir)

0

### ARTICLE INFO

**Article type:**  
Research Article

**Article History:**  
Received  
September 11, 2024  
Accepted  
November 22, 2024

**Keywords:**  
Shiite uprisings,  
Mukhtar Saghafi,  
collective action,  
Charles Tilly

### ABSTRACT

Combining historical knowledge and sociological theories is one of the common methods in analyzing social phenomena that many researchers, including historians and sociologists, have paid attention to. Charles Tilly, one of the prominent sociological theorists, has used the theory of collective action to examine and analyze historical data. Collective actions usually have a history of causes and consequences and appear in various forms. The Mukhtar Thaqafi uprising in 66 AH was one of the first Shiite movements that was formed with the aim of gaining superiority over the nobles and patrons of Kufa and avenging Imam Hussein (AS). The slogan of the Mukhtar uprising was to avenge the blood of Imam Hussein (AS) and achieve the rule of the Iraqis, which was pursued by relying on gaining legitimacy through the support of Muhammad Hanafiya.

The Mukhtar uprising was formed after the Karbala incident in 61 AH, when Imam Hussein (AS) and his companions were martyred in Karbala. This incident caused widespread dissatisfaction among Muslims, and the first uprising that took place to seek the blood of Imam Hussein (AS) was the Tawabin Uprising led by Sulayman bin Sard al-Khuza'i. After that, the uprising of Mukhtar bin Abi Ubaydah al-Shaqafi emerged as one of the most important Shiite movements to seek the blood of Imam Hussein (AS). Mukhtar analyzed the various dimensions of his uprising using Charles Tilly's theory of collective action. This study examines the factors effective in the mobilization of Shiite forces, opportunities and threats, repressions and environmental facilitations, and analyzes the role of Mukhtar in the formation of a political and social movement. Mukhtar's uprising, as a movement based on Shiite motives and collective action, is studied in a sociological context, and its political and social effects on Umayyad society and other Shiite uprisings are examined.



## تحلیل جامعه شناسی تاریخی قیام مختار ثقفی بر اساس نظریه کنش جمعی چارلز تیلی

لیلا جلیلیان<sup>۱</sup>، طلعت ده پهلوان<sup>۲</sup>، سجاد دادفر<sup>۳</sup>

<sup>۱\*</sup> دانشجوی کارشناس ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، ایمیل

[leila.jalilian1364@gmail.com](mailto:leila.jalilian1364@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، ایمیل

[Talatdehpahlavan@yahoo.com](mailto:Talatdehpahlavan@yahoo.com)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه علوم تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، ایمیل:

[sdadfar@razi.ac.ir](mailto:sdadfar@razi.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### دریافت مقاله:

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

#### پذیرش نهایی:

۱۴۰۳/۰۸/۰۱

#### واژگان کلیدی:

قیام های شیعی، مختار ثقفی، کنش جمعی، چارلز تیلی

تلفیق دانش تاریخ و نظریه های جامعه شناسی یکی از روش های رایج در تحلیل پدیده های اجتماعی است که بسیاری از پژوهشگران، از جمله مورخان و جامعه شناسان، بدان توجه کرده اند. چارلز تیلی، یکی از نظریه پردازان برجسته جامعه شناسی، از نظریه کنش جمعی برای بررسی و تحلیل داده های تاریخی بهره برده است. کنش های جمعی معمولاً دارای سابقه علل و پیامدها هستند و به اشکال مختلف ظاهر می شوند. قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ هجری قمری یکی از نخستین جنبش های شیعی بود که با هدف برتری بر اشراف و موالی کوفه و خون خواهی امام حسین (ع) شکل گرفت. شعار قیام مختار، خون خواهی امام حسین (ع) و دستیابی به حکومت عراقین بود، که با تکیه بر مشروعیت یابی از طریق حمایت محمد حنفیه دنبال می شد.

قیام مختار پس از واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری شکل گرفت، زمانی که امام حسین (ع) و یارانش در کربلا به شهادت رسیدند. این حادثه موجب برانگیختن نارضایتی های گسترده در میان مسلمانان شد و نخستین قیامی که به خون خواهی امام حسین (ع) شکل گرفت، قیام توأین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی بود. پس از آن، قیام مختار بن ابی عبیده ثقفی به عنوان یکی از مهم ترین جنبش های شیعی برای خون خواهی امام حسین (ع) مطرح شد. مختار با بهره گیری از نظریه کنش جمعی چارلز تیلی، ابعاد مختلف قیام خود را تحلیل کرد. این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر در بسیج نیروهای شیعی، فرصت ها و تهدیدها، سرکوب ها و تسهیل های محیطی پرداخته و نقش مختار در شکل گیری یک جنبش سیاسی اجتماعی را تحلیل می کند. قیام مختار به عنوان یک حرکت مبتنی بر انگیزه های شیعی و کنش جمعی، در زمینه جامعه شناسی مورد مطالعه قرار می گیرد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن بر جامعه اموی و سایر قیام های شیعی بررسی می شود.

## ۱- مقدمه

از دستاوردهای قیام مختار می‌توان به این گزاره اشاره کرد که وی توانست محمد بن حنفیه را به عنوان امام و پیشوای شیعیان معرفی کند و این نظریه را احیا کرد که امامان شیعه لزوماً نباید از نسل حضرت فاطمه زهرا (س) باشند و شکل‌گیری این نظریه سرآغازی برای جنبش‌های شیعی در دوره‌های بعدی اسلامی شد. در این پژوهش ابتدا به تحلیل زندگی مختار ثقفی و عوامل ایجاد قیام، ایجاد قیام و دست‌آوردهای قیام میپردازیم سپس مفاهیم مرتبط با کنش جمعی چون منافع، سازمان، بسیج، کنش جمعی، نیز مفاهیم فرصت، تهدید، سرکوب و تسهیل‌شناسایی، استخراج و شرح داده شده، سپس بر اساس این مفاهیم به تحلیل عناصر درونی جنبش پرداخته می‌شود. سوال اصلی این پژوهش کاربردی و چگونگی ایجاد قیام مختار ثقفی و سبب شناسی ظهور و شکست قیام مختار بر پایه نظریه کنش جمعی چارلز تیلی است.

روش مورد استفاده در این مقاله «تطبیقی» است؛ بر اساس نظریه کنش جمعی چارلز تیلی که در آن دو بعد کلی و جزئی کنش‌ها بررسی میشود به تحلیل و بررسی قیام مختار ثقفی پرداخته شده است. چارلز تیلی جامعه‌شناس و عالم سیاسی و مورخ، آثاری را به رشته تحریر درآورده است که به رابطه میان جامعه و سیاست پرداخته است وی در سال ۱۹۵۸ دکترای خود را در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه هاروارد دریافت کرد. تیلی از نظریه پردازان تاثیرگذار در زمینه مطالعات جنبش‌های اجتماعی است. چارلز تیلی در بررسی کنش‌های اجتماعی مفاهیمی هم مانند فرصت، تهدید، سرکوب و تسهیل را استخراج و مورد شرح و بازکاوی قرار می‌دهد. سپس براساس این موضوعات به تحلیل و بررسی عناصر درونی کنش می‌پردازد و تاریخ و نظریه‌های جامعه‌شناسان را با یکدیگر ترکیب می‌کند وی از جمله جامعه‌شناسانی است که در پردازش الگوهای اجتماعی از مواد تاریخی استفاده کرده است پژوهشگر بر آن است تا قیام مختار ثقفی را براساس نظریه کنش جمعی تیلی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و بر مبنای مفاهیمی که ذکر گردید به تحلیل عناصر درونی قیام مختار یعنی تاثیر منافع که شامل دستیابی به حکومت عراق است، نقش موالی، اشراف و خون‌خواهی حسین بن علی (ع) و برپایی جنبش بر اساس مشروعیت یافتن از طریق اعلام نمایندگی قیام از سوی محمد بن حنفیه و منابع مهم بر بسیج نیروهای موالی و نیز عوامل عینی چون شرایط سرکوب و یا تسهیل در تقابل با گروه‌های چالشگر و جامعه‌ی سیاسی عصر اموی پردازد.

## ۲- چهار چوب نظری

نظریه‌ی کنش جمعی تیلی در مقوله‌ی نظریه‌های انقلاب جای دارد. که بر پایه‌ی آن می‌توان شمار زیادی از انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. بحث در مورد جامعه‌شناسی سیاسی به عنوان یک الگوی نظری در رویدادهای تاریخی یک ضرورت است. که نگارنده به این مهم پی برده است و در صدد است با پیش برد این جستاره بایی را در جهت تلفیق رویدادهای تاریخی و نظریه‌های جامعه‌شناختی بگشاید. از نظریه‌ی کنش جمعی چارلز تیلی به جهت فراگیری دایره‌ی شمول و به کارگیری آن برای انقلاب‌های سنتی و مدرن می‌توان استفاده کرد. نظریه‌ی کنش جمعی تیلی دارای پنج عنصر است: ۱. منافع ۲. سازمان ۳. بسیج ۴. کنش جمعی ۵. فرصت، که این مفاهیم را تحت عنوان ((الگوی بسیج)) معرفی میکند. تیلی این عناصر پنج‌گانه را برای نخستین بار در بستر ((فرصت‌های سیاسی)) برای گروه‌های چالش‌گر، به عنوان هسته اصلی و اولیه مسیر فرایند سیاسی جنبش‌های اجتماعی به شکلی کامل و جامع تفهیم کرده است. که در ذیل به شرح آن‌ها می‌پردازیم. (تیلی، ۱۳۸۸/۱۷)

۱. منافع: منظور از منافع زیان‌ها یا دست‌آوردهایی است که از تعامل گروه با دیگر گروه‌ها حاصل می‌شود. به تعبیری دیگر گروه عبارت است از افراد یا سازمان‌هایی که با تحت فشار قرار دادن مقامات حکومتی یا بخشی از آنها با صرف زمان و به کار بستن تدابیر مختلف برای کسب منافع خود مبارزه می‌کنند. این گروه‌ها برای کسب موفقیت احتیاج به پشتوانه‌های مردمی و اجتماعی دارند. گروه‌ها در کنش‌های جمعی دارای منافع گوناگونی هستند. از نظر چارلز تیلی تشخیص منافع به دو صورت است: نخست منافی که گروه‌های مدعی در بلند مدت پی‌گیری می‌کنند؛ دوم منافی که بر اساس یک باور مشترک و در نتیجه محرک‌های آنی در کوتاه مدت شکل می‌گیرد. در این دو تحلیل تیلی به ترتیب متأثر از کارل مارکس و ماکس وبر است؛ زیر دیدگاه نخست بر شرایط ساختاری تأکید بیشتری دارد، در تحلیل مارکس تضاد‌های طبقاتی و محرک‌های آنی اهمیت کمتری دارند. ولیکن در آرای ماکس وبر بر خلاف ماکس محرک‌های آنی و رفتارهای ذهنی در تشخیص منافع اهمیت بیشتری دارد. در این جا تیلی در تحلیل نظریه خود دو الگوی متفاوت را در تشخیص منافع به کار می‌برد. (تیلی، ۱۳۸۸/۱۴)

۲. سازمان: سازمان عبارت است از میزان هویت مشترک و همچنین ساختار وحدت بخش افراد در درون یک جمعیت یا گروه. یک گروه هرچه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع‌تری برخوردار باشد، سازمان یافته‌تر خواهد بود. اهمیت سازمان بدان سبب است که بخش عمده کنش توسط گروه‌ها صورت می‌گیرد و از همین رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است.

۳. بسیج: بسیج یعنی منابعی که تحت اختیار گروه‌های مدعی قرار دارد؛ به تعبیر دیگر فرآیندی است که یک گروه به واسطه آن به تسلط بر منابع لازم برای کنش جمعی دست می‌یابد؛ این منابع ممکن است نیروی انسانی، کالا، تسلیحات، یا هر چیز دیگری باشد که در جهت منافع بسیج‌گران قرار دارند. (همان/۱۹)

۴. کنش جمعی: مراد از کنش جمعی، اقدام جمعی برای دستیابی به منافع مشترک است.

۵. فرصت: در الگوی فرصت سه عنصر قابل تعریف است: یکم قدرت، که بازده کنش جمعی را نشان می‌دهد؛ دوم سرکوب، به معنای هزینه‌های کنش جمعی گروه‌های مدعی که اگر کاهش یابد تسهیل پیش خواهد آمد؛ سوم خود فرصت، که اگر گروه‌های دیگر از جمله حکومت‌ها بیشتر آسیب‌پذیر باشند برای گروه‌های مدعی فرصت محسوب می‌شود و در مقابل اگر هزینه‌های گروه مدعی در مقابل حکومت افزایش یابد تهدید خواهد بود. علاوه بر الگوی بسیج؛ تیلی از یک الگو و مدل نیز تحت عنوان الگوی ((جامعه سیاسی)) نام می‌برد. این مدل نیز دارای سه عنصر است: حکومت گروه‌های مدعی و چالشگر و جامعه سیاسی. حکومت سازمانی است که قدرت سیاسی و ابزار اجبار را در اختیار دارد؛ گروه‌های مدعی خارج از هیأت حاکم یا جامعه سیاسی قرار دارند و طی دوره‌ای خاص منابع را بر ضد حکومت است. جنبش زمانی رخ می‌دهد که اولاً مدعیان جدید ادعاهای تازه‌ای درباره مهار حکومت (اعضای جامعه سیاسی) مطرح کنند؛ ثانیاً تعهدی جدی نسبت به آن ادعاها توسط بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم وجود داشته باشد؛ و سوم کارگزاران حکومت فاقد ظرفیت یا تمایل برای سرکوب باشند. این شرایط در واقع نشان ظهور جامعه سیاسی بدیل و جدید در مقابل جامعه سیاسی موجود است. (همان/۲۱)

### ۳- تحلیل زندگی مختار و چگونگی پدیدآیی قیام براساس نظریه کنش جمعی تیلی

مختار بن ابی عیینه ثقفی از اولین نوزادانی است که در سال اول هجرت در مدینه متولد شد (بلاذری، ۱۳۹۷، ج ۳۵۷/۶). او از بنی ثقیف و مردم طائف بود. قبیله ثقفی در میان اعراب به شجاعت و سخاوت‌مندی شهره است. پدرش، ابو عیینه، از مردان صالح قبیله ثقیف بود که در جنگ با سپاه ساسانیان در نبرد جسر از دنیا رفت. مختار از دوران کودکی، دارای عقل و فراست بسیاری بود و در

سختی‌ها و چالش‌هایی که پیش رویش قرار داشت، همواره با درایت بیرون می‌آمد. در سیزده سالگی همراه پدرش در نبرد با ایرانیان موسوم به قس الطائف شرکت کرد. وی هیچگاه نسبت به مسائل جهان اسلام بی‌تفاوت نبود، از این رو در سال ۶۴ ه‍.ق به میدان سیاست وارد شد و به جاه‌طلبی و فرصت‌طلبی در موقعیت‌های خاص مشهور گشت. مختار دو صفت بارز و مشهود داشت: یکی گرایشات شیعی به خاندان علی (ع) و دیگری علاقه وافر که به قدرت داشت. وی نخستین رهبر سیاسی در کوفه بود که طبق نقل قول شیخ مفید، طبری و دیگران، مسلم بن عقیل را ملاقات کرد و هم او بود که نقش بسیج کردن مردم را در آن شبی که حسین بن علی (ع) به سوی امویان خروج کرد، بر عهده داشت؛ ولیکن استاندار کوفه او را زندانی کرد و در حد فاصله قیام مسلم بن عقیل و حسین بن علی (ع) در زندان عبدالله محبوس بود (ابن اعثم، ۱۳۸۰، ج ۱۴۵/۵ و طبری، ۱۳۹۴، ج ۵۸۰/۵).

مختار پس از آن به واسطه شفاعت عبدالله بن عمر که از بستگانش بود (همسر خواهر مختار، صفیه نام داشت)، توانست از زندان ابن زیاد خلاصی یابد (ابن خلدون، ۴۴/۱۳۶۹). مختار پس از آزادی به مکه رفت و به دلیل اینکه سودای قیام در سر داشت برای عملی کردن هدف خود به نیروی اشراف مکه احتیاج داشت، از این رو به عبدالله بن زبیر نزدیک شد (بلاذری، همان، ۳۷۸). در این بین به او خبر رسید که توابین به سرکردگی سلیمان بن صرد خزاعی قصد خروج دارند. مختار با گفتن این سخن که سلیمان فکر سیاسی و نظامی ندارد (لا علم له بالحروب و السياسة) حاضر به حمایت از توابین نشد؛ ولی منابع ذکر کرده‌اند که چون عبدالله سلیمان و توابین را قتل عام کرد، مختار هفت شبانه‌روز به تعزیت ایشان پرداخته است (طبری، همان، ۶۳۷). مختار پس از آزادی به مکه رفت و بدان دلیل که سودای امارت عراق را در سر داشت، به پشتیبانی اشراف مکه نیاز داشت، از این رو به عبدالله بن زبیر نزدیک شد (بلاذری، همان، ۳۷۸). وی با سه شرط پذیرفت امور را به زیان امویان سروسامان دهد. شروط او عبارت‌اند از:

۱. عبدالله بن زبیر بدون مشورت با او کاری نکند.
  ۲. نخستین کسی باشد که در هر زمان که اراده کند بتواند ابن زبیر را ببیند.
  ۳. هنگامی که بر امویان غلبه کرد، بدون بهترین کارگزارانش از او کمک بخواهد (ابن اثیر، ۱۳۷۴، ج ۳۳۸/۳).
- عبدالله بن زبیر شروط او را پذیرفت و قسم یاد کرد عهد نگه دارد. سپس مختار با بیعت کرد و سپاهیان شام را شکست داد و عبدالله بن زبیر در مکه خلیفه شد. در حجاز و مکه و طائف و عراق و سراسر کوهستان و خوزستان به نام او سکه زدند و خطبه خواندند. وی هنگامی که امیران و والیان خود را به مناطق تحت سیطره‌اش می‌فرستاد، مختار ثقفی را مد نظر قرار نداد و ولایت هیچ کجا را به او نسپرد (چنگیزی، ۱۰۸/۱۳۶۸). مختار هنگامی که از موضوع مطلع گشت به فراست دریافت که باید برای دستیابی به حکومت عراق تدبیر دیگری بیندیشد، از این رو در ظاهر به قصد خونخواهی حسین بن علی (ع) به ابراهیم بن مالک اشتر نخعی نزدیک شد و در ابتدای امر هم متذکر شد که خود امیر است و ابراهیم را قائم مقام خود می‌داند و اظهار داشت که برای این هنگام امام شیعیان امام زین العابدین (ع) بود و قیام مختار را تأیید نکرده بود. ابراهیم اشتر پس از مطمئن شدن نسبت به حمایت حنفیه از مختار با وی برای خونخواهی حسین بن علی (ع) بیعت کرد و با شعار "یا منصور امت" و "یا لثارات الحسین" توانستند در جنگی موسوم به خارز، سپاهیان ابن زیاد را شکست بدهند (طبری، همان، ۵۶۰).

در روز جمعه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۶۶ ق، مختار وارد قصر کوفه شد و نماز جمعه به امامت و خطبه وی خوانده شد. مختار حکومت موصل را به ابراهیم بن اشتر سپرد، پس از آنکه وی به حکومت موصل رسید میان او و مختار جدایی افتاد و ابراهیم، مختار را در جنگ با ابن زبیر رها کرد و در نهایت مختار در رویاروی با مصعب بن زبیر در منطقه‌ای به نام مذار شکست خورد (یعقوبی، ۱۳۸۹،

ج ۱۷۵/۲). اوضاع سیاسی و اجتماعی پس از مرگ یزید بن معاویه سبب پیدایی گروه‌های مدعی از جمله عبدالله بن زبیر و مختار ثقفی شد که هدف اصلی‌شان تغییر جامعه سیاسی موجود در جهت کسب قدرت به سود خود بود (طوقش، ۷۸/۱۳۹۶).

#### ۴- تحلیل جامعه سیاسی قبل از جنبش مختار ثقفی

##### ۴-۱- حکومت معاویه بن ابی سفیان

معاویه پیش از خلافت، حدود بیست سال تحت حمایت عمر و عثمان، حکومت شام را برعهده داشت (طوقش، ۱۴/۱۳۸۴). وی توانست با سیاست و تدبیر، وفاداری مردم شام را جلب کند و منطقه را به ناحیه‌ای بدون تنش تبدیل نماید (طبری، ۱۵/۱۳۹۴). دوران فرمانروایی او آزمونی برای مدیریت در میان اختلافات دینی و سیاسی بود که با فشار و خدعه موفق به کسب قدرت شد (طوقش، ۱۸/۱۳۸۸). دفاع او از ولایتعهدی یزید و حمایت‌های افراد نزدیک مانند زیاد بن ابیه، مشروعیت جانشینی یزید را تقویت کرد (دینوری، ۲۲۶/۱۳۹۰). معاویه در سال ۶۰ هجری درگذشت و یزید خلافت را بدون هیچ تلاشی به دست آورد (طوقش، ۵۴/۱۳۸۸).

##### ۴-۲- اوضاع کوفه در آستانه قیام مختار ثقفی

پس از خلافت یزید، او مقرر حکومت خود را در دمشق حفظ کرد. در مقابل، کوفیان و اعراب عراق به مخالفت با خلافت اموی پرداختند. در کوفه، شیعیان حسین بن علی (ع) را برای بیعت دعوت کردند و حضور موالی ایرانی نیز بر گسترش تشیع تأثیرگذار بود (طوقش، ۶۹/۱۳۸۸). موالی که اغلب ایرانی بودند، پس از شکست دولت ساسانی، در کوفه مستقر شدند اما در جامعه اسلامی مورد تبعیض قرار گرفتند (زرین‌کوب، ۳۷۷/۱۳۶۲). این ناراضی‌ها موجب پیوستن آنان به نهضت مختار ثقفی شد که آنان را از ارکان اصلی سپاهش قرار داد (زرین‌کوب، ۴۶۸).

##### ۴-۳- دوران یزید بن معاویه و چالش‌های آن

یزید در ابتدای خلافت با قیام حسین بن علی (ع)، شورش مردم مدینه و طغیان عبدالله بن زبیر مواجه شد. در کوفه، شیعیان به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی، حسین بن علی (ع) را دعوت به حکومت کردند و نخستین نامه‌ها برای وی ارسال شد (شهیدی، ۵۶/۱۳۹۷). حسین بن علی (ع) که نسبت به وفاداری کوفیان بدبین بود، برای بررسی اوضاع، مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد (طوقش، ۶۵/۱۳۸۴). این تحولات نشانگر بستر ناراضی‌های عمومی و تلاش برای ایجاد تغییر در ساختار خلافت اموی بود.

##### ۴-۴- جایگاه موالی در کوفه

موالی ایرانی، که پس از جنگ قادسیه به کوفه مهاجرت کرده بودند، با تبعیض‌های فراوان مواجه بودند. آن‌ها به طبقه‌ای زحمتکش و حاشیه‌نشین تبدیل شدند که تحت حمایت قبایل عرب بودند و اغلب به دلیل پیشینه غیرعربی، از سوی اعراب تحقیر می‌شدند (زرین‌کوب، ۳۷۸/۱۳۶۲). این شرایط، ناراضی‌های موالی را افزایش داد و زمینه‌ساز پیوستن آن‌ها به جنبش‌های مخالف امویان شد (اجتهادی، ۱۲۹/۱۳۶۳). حکومت معاویه و یزید، همراه با تبعیض‌های گسترده علیه موالی و سرکوب‌های سیاسی، موجب ایجاد ناراضی‌های عمیق اجتماعی شد. این ناراضی‌ها در قالب نهضت‌های اجتماعی و مذهبی، نظیر قیام مختار ثقفی و شورش‌های کوفه، نمود پیدا کرد و پایه‌های خلافت اموی را به چالش کشید.

##### ۴-۵- جنبش مسلم بن عقیل

مسلم بن عقیل در شوال سال ۶۰ هجری وارد کوفه شد و مورد استقبال گسترده شیعیان قرار گرفت. حدود دوهزار و به گفته‌ای دیگر هجده هزار نفر با او بیعت کردند. اما با ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه، وضعیت تغییر کرد. عبیدالله که به خشونت و شقاوت شهرت

داشت، از همان ابتدا بر اوضاع شهر کوفه مسلط شد و مسلم را تعقیب کرد. مسلم به خانه هانی بن عروه پناه برد، اما پس از دستگیری هانی، وی نیز دستگیر شد و سرانجام در خانه فردی از قبیله بنی جبلة به شهادت رسید. این وقایع باعث شد تا بسیاری از مردم کوفه از بیعت خود با مسلم بن عقیل بازگردند. (ابن کثیر، ۱۳۸۹، ج ۲/۳؛ ابن اعثم کوفی، ۱۳۹۳، ج ۳۹/۵؛ مسعودی، ۱۳۶۲، ج ۶۹/۳)

#### ۴-۶- قیام کربلا

امام حسین (ع) با خاندان و یارانش در نهم ذی الحجه سال ۶۰ هجری رهسپار کوفه شد. اما پاسخ‌هایی مبنی بر خیانت کوفیان به او رسید و بالاخره در دهم محرم سال ۶۱ هجری حادثه کربلا به وقوع پیوست. قیام کربلا در واکنش به ظلم و فساد حکومت امویان بود که امام حسین (ع) و یارانش با شهادت خود، ضربه‌ای مهلک به بنی امیه وارد کردند. این جنبش تأثیرات گسترده‌ای در عرصه سیاسی جهان اسلام داشت و در شورش‌هایی مانند قیام توابین و مختار ثقفی ادامه یافت. (طبری، ۱۳۹۴، ج ۴۰۹/۵؛ شهیدی، ۱۱۹)

#### ۴-۷- شورش عبدالله بن زبیر

عبدالله بن زبیر پس از مرگ معاویه به مکه پناه برد و با حمایت مردم حجاز، حکومتی مستقل تشکیل داد. او توانست در طول هشت سال، حکومتی در برابر امویان ایجاد کند که تا سال ۷۳ هجری ادامه داشت. این حکومت در برابر نیروهای اموی، به ویژه در مکه و حجاز، مقاومت کرد و سرانجام با کشته شدن عبدالله بن زبیر در جنگ با حجاج بن یوسف، از قدرت افتاد. (دینوری، ۳۸۴؛ طقوش، ۷۶؛ مسعودی، ۱۳۶۲، ج ۹۲/۳) سرانجام شورش عبدالله بن زبیر با روی کار آمدن عبدالملک بن مروان پایان یافت و نیروهای حجاج بن یوسف توانستند او را شکست دهند. (طبری، ۵۰۱/۴۹۹)

#### ۵- تحلیل قیام مختار براساس چهارچوب نظریه تیلی

پس از قیام کربلا، مختار ثقفی مهم‌ترین جنبش ضد اموی را پایه‌گذاری کرد. او برای آغاز حرکت خود به اهرم‌های قوی و تازه‌ای نیاز داشت تا بتواند اهدافش را محقق کند. بر اساس نظریه چارلز تیلی درباره جنبش‌های اجتماعی، جنبش مختار را می‌توان از منظر فرصت‌های سیاسی<sup>۱</sup> و منابع بسیج‌گر<sup>۲</sup> تحلیل کرد. مختار توانست از شکاف‌های قدرت و ضعف حاکمیت اموی استفاده کند و منابع انسانی و ایدئولوژیک مناسبی را برای سازمان‌دهی قیام خود به کار گیرد.

آنچه بیش از همه توجه مختار را جلب کرد، متوسل شدن به نام و جایگاه خاندان پیامبر (ص) و استفاده از نیروی موالی در قیامش بود. هرچند ترفندهای زیرکانه او در این مسیر گاه مؤثر واقع می‌شد، اما مشارکت گسترده موالی در سپاهش، مخالفت اشراف کوفه را برانگیخت. بر اساس نظریه تیلی، وجود شکاف اجتماعی و نارضایتی گسترده میان موالی و اشراف عرب، به‌عنوان یک بستر ساختاری<sup>۳</sup> عمل کرد که جنبش مختار را تسهیل نمود. این نارضایتی به بسیج نیروی انسانی در قیام کمک شایانی کرد.

#### ۵-۱- نقش موالی در قیام مختار

حضور گسترده موالی در لشکر مختار به‌گونه‌ای بود که برخی خروج وی را قیامی علیه اشراف عرب عراق تلقی کردند. شهر کوفه که مختار به‌عنوان مرکز قیام خود انتخاب کرده بود، یکی از مراکز مهم ایرانیان و شیعیان محسوب می‌شد و در گذشته نزدیک، مرکز خلافت امام علی (ع) بود. بسیاری از هواداران مختار در این شهر ساکن بودند. افزون بر این، عده‌ای از سواران و مرزبانان ایرانی که بازماندگان

<sup>۱</sup> - Political Opportunities

<sup>۲</sup> - Mobilizing Resources

<sup>۳</sup> - Structural Context

شاهنشاهی ساسانی بودند و پس از شکست در جنگ قادسیه به اسلام گرویده و در کوفه سکونت یافته بودند، به سپاه مختار پیوستند. تعداد این افراد، که شامل دیلمیان خدمت‌گزار در سپاه ایران بودند، به بیست هزار نفر یا حتی بیشتر می‌رسید. این افراد که ظلم و ستم امویان را به چشم دیده بودند، از فرصت پیش آمده بهره بردند و به‌سوی سپاه مختار جلب شدند. بر اساس چارچوب نظری تیلی، این پدیده نمونه‌ای از بسیج منابع اجتماعی<sup>۴</sup> است؛ چراکه مختار توانست نیروی انسانی تحت فشار را با ایده‌های خود همسو کرده و به‌عنوان عامل تقویت‌کننده قیام به کار گیرد.

## ۵-۲-ایدئولوژی و سازمان‌دهی قیام مختار

رهبری مختار بر جنبش، با دو محور اساسی پیش رفت: نخست، سازمان ایدئولوژیک قیام که ماهیت وحدت‌بخش عناصر نامتجانس جنبش را نشان می‌داد؛ و دوم، استفاده از مشروعیت مذهبی محمد بن حنفیه. مختار تبلیغات خود را با شعار «بالثارات الحسین» آغاز کرد و محمد بن حنفیه را به‌عنوان پشتیبان ایدئولوژیک قیام مطرح نمود. نظریه تیلی بیان می‌کند که ایجاد همبستگی نمادین<sup>۵</sup> از طریق ایدئولوژی و شعارهای فراگیر، یکی از عوامل موفقیت جنبش‌های اجتماعی است. مختار با بهره‌گیری از جایگاه مذهبی محمد بن حنفیه و استفاده از شعارهای شیعی، توانست عناصر مختلف اجتماعی را در یک مسیر مشترک قرار دهد.

## ۵-۳-ماهیت جنبش مختار

ماهیت جنبش مختار را می‌توان در ترکیبی از عوامل سیاسی، اقتصادی و مذهبی تحلیل کرد. موالی که بخش بزرگی از سپاه مختار را تشکیل می‌دادند، به لحاظ اقتصادی در وضعیت دشواری بودند و برای به‌دست آوردن حقوق و هویت ازدست‌رفته خود، به این جنبش پیوستند. این انگیزه‌ها با نظریه تیلی درباره مطالبات و نارضایتی اجتماعی<sup>۶</sup> همخوانی دارد.

از سوی دیگر، برخی محققان بر ماهیت صرفاً شیعی قیام تأکید کرده و هدف اصلی آن را خون‌خواهی امام حسین (ع) دانسته‌اند. باین حال، نباید عطش مختار برای دستیابی به قدرت را نادیده گرفت. در این قیام، دو عنصر اساسی قابل بررسی است:

۱. قیام به‌مثابه یک حرکت سیاسی: مختار با استفاده از شعار خون‌خواهی امام حسین (ع)، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کرد.

۲. مشروعیت‌بخشی مذهبی: او با پشتیبانی محمد بن حنفیه، جایگاه معنوی قیام را تقویت کرد. مختار حتی محمد بن حنفیه را با عنوان "مهدی" معرفی نمود که تأثیر عمیقی بر روند مشروعیت‌بخشی به جنبش داشت.

بر اساس نظریه تیلی، موفقیت قیام مختار در گرو ترکیب سه عامل کلیدی بود:

۱. ساختار فرصت سیاسی: ضعف امویان و شکاف در ساختار قدرت، به مختار امکان بسیج نیروها را داد.
۲. بسیج منابع: مختار با استفاده از نارضایتی اجتماعی موالی و نیروهای محروم، توانست نیروی نظامی و اجتماعی لازم را فراهم کند.

<sup>۴</sup> - Social Resource Mobilization

<sup>۵</sup> - Symbolic Solidarity

<sup>۶</sup> - Social Grievances



۳. ایجاد همبستگی نمادین: شعار «یا لثارات الحسین» و پشتیبانی محمد بن حنفیه، به جنبش انسجام ایدئولوژیک بخشید.

#### ۶- تحلیل جنبش براساس نظریه کنش جمعی

مطابق با الگوی بسیج و کنش جمعی تیلی، جنبش اجتماعی مختار به مثابه کنش جمعی تلقی می‌شود که هدف آن شکل‌گیری جامعه سیاسی بدیل است. در این الگو، سه عنصر حکومت، گروه‌های مدعی، و جامعه سیاسی به‌طور مستقل از یکدیگر بررسی می‌شوند. در این راستا، مختار ثقفی به عنوان یک گروه چالشگر توانست در مقابل حکومت و جامعه سیاسی وقت، جامعه سیاسی جدیدی تأسیس کند.

در بحث کنش جمعی، تأکید اصلی بر الگوی بسیج است که در چارچوب نظری ترسیم شده است. در اینجا نیز با ترسیم الگوی بسیج و تفکیک عناصر آن به عوامل درونی و بیرونی، به تشریح نقش این عوامل در کنش جمعی قیام مختار پرداخته می‌شود.

#### ۶-۱ عوامل مؤثر بر ساختار درونی قیام مختار ثقفی: منافع، سازمان، بسیج

عوامل درونی و بیرونی ذکر شده با کنش جمعی مختار ثقفی مرتبط هستند و هر یک از این عناصر مفهومی به‌گونه‌ای قابل تشریح در تشکیلات و حرکت مختار می‌باشند. یکی از عوامل درونی مؤثر در کنش جمعی قیام مختار ثقفی، تشخیص منافع است که از نظریه چارلز تیلی الهام گرفته شده است. این جنبه ساختاری متأثر از دیدگاه کارل مارکس و جنبه ذهنی آن تحت تأثیر مارکس و بر قرار دارد. تشخیص منافع به‌عنوان یکی از شاخص‌های ساختاری کنش جمعی مختار مطرح می‌شود. منافع مختار در دستیابی به حکمرانی بر عراقین، رهبری شیعیان تحت لوای محمد حنفیه و تأسیس حکومت اسلامی بر پایه عدالت علی (ع) بود. همچنین، ستم و اجحاف حقوق موالی که به تضعیف منافع اقتصادی آن‌ها منجر می‌شد، به تدریج جنبه ساختاری یافت و با کنشی ساختار شکنانه تنها امکان خلاصی از آن میسر بود. بنابراین، قیام مختار هم به‌صورت ساختاری در درازمدت داشت و هم با کنشی آنی و در طرح ذهنی از تشخیص منافع، متأثر از وضعیت جامعه و فشارهای حاکم بر شیعیان و موالی و ادامه تعدیات بی‌امان اومویان شکل گرفت.

یکی از ویژگی‌های برجسته قیام مختار ثقفی، سازمان آن است. در این سازمان، علاوه بر گروه‌های مدعی که بر اهداف و علایق اقتصادی مشترک تأکید دارند، نباید از عناصر ایدئولوژیک و احساسی غافل بود. از دیدگاه تیلی، سازمان گروه‌های مدعی باید هویت مشترک و شبکه‌ای از روابط میان اعضای خود داشته باشد که از آن با عنوان ساختار وحدت‌بخش یاد می‌شود. با این حال، در قیام مختار، گروه‌های مختلف و ناهمگونی مشارکت داشتند. سؤال اصلی این است که آیا ساختار وحدت‌بخشی میان این گروه‌ها وجود داشت یا خیر؟ یا آیا هویت مشترک فراگیری میان تمام گروه‌های مختلف برقرار بود؟

جامعه کوفه در آن دوران شامل افراد ناهمگون بود: از یک‌سو اشراف اموی که داعیه‌دار حکومت بر عرب و غیرعرب بودند، و از سوی دیگر شیعیان ناراضی که خون‌خواه حسین بودند و ظلم بر خاندان پیامبر را تاب نمی‌آوردند، در کنار موالی که منافع اقتصادی‌شان در خطر بود و سهمی از مواهب مالی نداشتند و هویت اجتماعی‌شان زیر سؤال بود. در قیام مختار نیز مانند سایر قیام‌ها، پس از برانگیختگی گروه‌های ناآرام، مردم گرد هم می‌آیند و رهبرانی از میان آن‌ها ظهور می‌کنند تا مسئله‌ای را حل کنند. در این مرحله، یاران مختار به گردآوری نیرو و سازمان‌دهی جنبش پرداختند و پس از آزادی مختار با او بیعت کردند. مختار به‌عنوان رهبر کاریزماتیک توانست موالی و شیعیان را گرد خود جمع کند، اما به دلیل ناسازگاری باورها، اهداف، برنامه‌ها و همچنین رویکردهای گروه‌های حاضر در قیام و نهادینه نشدن قیام در عراق، وحدت و انسجام لازم میان افراد و گروه‌ها وجود نداشت. در نتیجه، سازمان قوی و کارآمدی ایجاد نشد و ارتباط گسترده‌ای میان گروه‌ها فراهم نگردید.

دلیل اصلی این عدم وحدت به مرحله سازمان‌یافته قیام مختار برمی‌گردد، جایی که ساختار رسمی با سلسله مراتبی از مسئولین ظهور می‌کند. این مرحله یکی از مهم‌ترین کارکردهای خود را در روشن‌سازی ایدئولوژی جنبش برای اعضای آن دارد. همچنین، دلایل نارضایتی اعضا، طرح اقدام به جنبش و اهداف آن باید به‌صورت شفاف بیان شود، اما در قیام مختار به دلیل یکدست نبودن هدف افراد و گروه‌ها و همچنین سران قیام، این امر تحقق نیافت.

در مورد نهادینه نشدن قیام در عراق نیز می‌توان اشاره کرد که جنبش مختار ثقفی در جذب و حمایت عمومی موفق نبود. این مرحله در قیام شکل نگرفت و در نتیجه قیام دچار بحران شد و به سبب عدم تأیید از سوی امام سجاد (ع)، با شکست مواجه شد. عامل درونی دیگری که در کنش جمعی مطرح می‌شود، بسیج است. بسیج به معنای فراهم‌آوری منابع و ابزارهای لازم برای کنش جمعی است و هرچه سطح منابع بیشتر باشد، ظرفیت کنش نیز بالاتر خواهد رفت. منابع بسیج می‌تواند شامل نیروی انسانی، کالاها، ابزارها یا تسهیلات مالی و نظامی باشد. آنچه در جنبش مختار ثقفی به‌عنوان یکی از منابع بسیج معرفی می‌شود، بیش از هر چیز نیروی انسانی آن است. گروه‌های مختلفی که در قیام مختار شامل مردم کوفه، شیعیان با آرمان خون‌خواهی حسین بن علی (ع) و موالی که منافع اقتصادی داشتند و غرور و عزت آنان پایمال شده بود، می‌توانند به‌عنوان منابع بسیج تلقی شوند.

## ۶-۲- عوامل مؤثر بر ساختار بیرونی قیام مختار ثقفی: سرکوب، فرصت، قدرت

علاوه بر عوامل درونی کنش جمعی، یک جنبش مستلزم شرایط عینی نیز هست. به عبارت دیگر، اگر ملزومات انتزاعی مانند تشکیلات و سازمان منسجم انقلابی فراهم باشد، اما شرایط تسهیل‌کننده بیرونی وجود نداشته باشد، امکان وقوع کنش با هدف جایگزینی جامعه سیاسی جدید وجود نخواهد داشت، یا در صورت وقوع، چنین کنشی با شکست مواجه خواهد شد. در این زمینه، سه عنصر اساسی: سرکوب، فرصت و قدرت را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های عینی و بیرونی در تقابل میان حکومت و جامعه سیاسی با گروه‌های مدعی بررسی کرد. سرکوب، برای حکومت‌ها یکی از چندین ابزار برای غلبه یا مهار چالش‌های داخلی قلمروشان است.

در مقابل سرکوب، فرصت و قدرت قرار دارند. سرکوب هزینه‌های هنگفتی است که گروه‌های مدعی برای تحقق کنش جمعی خود می‌پردازند و اگر هزینه‌ای در این راه متقبل شوند ناچیز و بی‌مقدار باشد، به‌مثابه تسهیل برای آن‌ها عمل می‌کند. فرصت نیز شرایطی است که به آسیب‌پذیری حکومت در مقابل گروه‌های مدعی منجر می‌شود و در صورت نبود چنین مشکلات و آسیب‌هایی، برای گروه‌های مدعی تهدید محسوب می‌گردد.

جامعه سیاسی مسلمانان پس از مرگ یزید بن معاویه دچار هرج و مرج و ضعف شد و سرزمین‌های اسلامی به چهار بخش تقسیم شدند: منطقه تحت کنترل عبدالملک بن مروان (سوریه و مصر)، منطقه تحت نظارت مختار ثقفی (عراق)، منطقه تحت لوای عبدالله بن زبیر (عربستان و حجاز) و مناطقی که خوارج در دست داشتند. گروه‌های چالشگر، به ویژه عبدالله بن زبیر و مختار ثقفی، هزینه‌های گزافی را متحمل شدند. بسیاری از افرادشان کشته شدند و از جمله، برادر کوچکتر عبدالله بن زبیر، منذر، نیز به شهادت رسید. مصعب بن زبیر، برادر عبدالله، توانست حکومت ابن زبیر را در عراق مستحکم کند، اما سرانجام از عبدالملک بن مروان شکست خورد و کشته شد. حجاج بن یوسف، فرمانده مقتدر اموی، عبدالله بن زبیر را در مکه محاصره کرد و نهایتاً او را به قتل رساند.

مختار ثقفی نیز از دیگر گروه‌های چالشگر بود که قیام وی توسط مصعب بن زبیر سرکوب شد و در نهایت به قتل رسید. شرایط مختار به‌گونه‌ای نبود که تسهیل‌کننده یا فرصت‌آفرین باشد. از سوی دیگر، در جامعه اسلامی، حاکمانی که اشاره شد تنها در مناطق تحت نفوذ خود اقتدار و قدرت لازم را داشتند و حکومت مرکزی تنها قدرت لازم برای سرکوب گروه‌های چالشگر را داشت.

عنصر قدرت، دامنه و بازده کنش جمعی گروه‌های مدعی را نشان می‌دهد. با توجه به جنبه ایدئولوژیک و تشکیلاتی که مختار در ابتدا به وجود آورد، اگرچه مردم در آغاز او را همراهی کردند، اما در پایان قیام، گروه‌هایی که سازمان‌دهی کرده بود و گرد او جمع شده بودند، مانند موالی و ابراهیم بن اشتر که فرمانداری موصل و مناطق شرقی جزیره را در دست داشت، از او جدا شدند و از ادامه همکاری در قیام سر باز زدند. این امر نتیجه‌ای جز کاهش قدرت مختار در پی نداشت، زیرا او نتوانست نقش کاریزماتیک خود را تا انتها به خوبی ایفا کند و پیروانی گرد خود جمع کند که حاضر باشند جان خود را در راه تحقق قیام فدا کنند، اگرچه انتظار جان‌نثاری و وفای به عهد در مردم کوفه امری بعید به نظر می‌رسد.

اگرچه قیام مختار ثقفی در انتقام از خون‌خواهی حسین بن علی و به قتل رساندن قاتلان نوه پیامبر (ص) پیروز بود، اما در نهایت با شکست مواجه شد.

#### ۷- نتیجه

کنش‌های اجتماعی جمعی به معنای اقدامات هماهنگ گروه‌های مدعی و چالشگر برای دستیابی به اهداف و منافع مشترک تعریف می‌شود. از این منظر، قیام مختار ثقفی را می‌توان به مثابه یک کنش جمعی تحلیل کرد که در آن مؤلفه‌های اصلی نظریه چارلز تیلی شامل منافع، سازمان، بسیج منابع، فرصت/تهدید، سرکوب/تسهیل و قدرت، شناسایی و تبیین شده‌اند. تحلیل این عناصر در چارچوب نظری مذکور به شناخت دقیق‌تر جنبش و بررسی موفقیت‌ها و ناکامی‌های آن کمک شایانی می‌کند.

در نظریه تیلی، تشخیص منافع دارای سه بُعد ساختاری، ذهنی و گذرا است. در قیام مختار ثقفی، ظلم و تعدی امویان به موالی، بی‌عدالتی‌های اجتماعی، و ناراحتی شیعیان از ستمگری امویان نسبت به خاندان پیامبر (ص)، به عنوان عوامل کلیدی تشخیص منافع گروه‌های مدعی مطرح بود. این شرایط در آغاز، با تأکید بر خون‌خواهی حسین بن علی (ع)، باورها و منافع مشترکی میان پیروان مختار ایجاد کرد. با این حال، در ادامه مسیر، به دلیل عدم انسجام و تفاوت منافع، همبستگی اولیه از میان رفت.

هسته اصلی کنش جمعی در نظریه تیلی، سازمان‌دهی است که بر دو رکن هویت مشترک و شبکه ارتباطات وحدت‌بخش تأکید دارد. در قیام مختار، شعار خون‌خواهی حسین بن علی (ع) و مجازات عاملان واقعه کربلا به عنوان بنیان‌های هویت‌بخش مطرح شد و در ابتدا، هویت جمعی قوی میان گروه‌های مختلف شکل گرفت. اما با گسترش قیام و تنوع گروه‌های شرکت‌کننده، اختلافات داخلی موجب تضعیف سازمان‌دهی و فروپاشی شبکه ارتباطی میان گروه‌ها شد.

از منظر بسیج منابع، قیام مختار از نیروی انسانی متنوعی شامل موالی ناراضی، شیعیان معترض و سایر افراد ناراضی از امویان بهره‌برداری کرد. در این میان، جنبه‌های ایدئولوژیک قیام نیز نقش کلیدی در ایجاد انگیزه و تقویت روحیه گروه‌ها داشت. در تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها، شرایط چندپارگی سیاسی پس از مرگ یزید بن معاویه، فرصت اولیه‌ای برای قیام مختار فراهم آورد. با این حال، تثبیت قدرت توسط عبدالملک بن مروان و سیاست‌های سرکوب‌گرانه او، تهدیدات جدی‌ای برای قیام به همراه داشت و سرانجام، منجر به شکست و سرکوب جنبش شد.

عنصر قدرت در نظریه تیلی به دامنه و تأثیر جنبش اشاره دارد. قیام مختار با وجود موفقیت‌های محدود، از جمله مجازات عاملان واقعه کربلا، نتوانست دامنه نفوذ خود را از عراق فراتر ببرد. با این حال، این موفقیت‌ها تأثیرات قابل توجهی در تقویت هویت شیعی، احساس عدالت‌خواهی، و مشروعیت‌بخشی به مقاومت مذهبی داشت. جنبش مختار ثقفی تأثیرات عمیق و ماندگاری بر جامعه اسلامی گذاشت. این جنبش نه تنها به عنوان نقطه عطفی در تاریخ شیعه شناخته می‌شود، بلکه به شکل‌گیری هویت و فرهنگ شیعی

در تاریخ اسلام کمک کرد. هرچند مختار در دستیابی به آرمان حکومتی مشابه عدل علی (ع) توفیق کامل نیافت، اما بستر لازم را برای کنش‌های جمعی آینده در تاریخ اسلامی فراهم ساخت.

تحلیل قیام مختار ثقفی بر اساس چارچوب نظری تیلی، درک عمیق‌تری از نحوه بهره‌برداری از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای شکل‌دهی یک کنش جمعی ارائه می‌دهد. این تحلیل، علاوه بر کمک به شناخت موفقیت‌ها و شکست‌های جنبش، الگویی برای مطالعه کنش‌های جمعی دیگر در تاریخ فراهم می‌آورد. در نهایت، جنبش مختار به‌عنوان یک حرکت اجتماعی و سیاسی اثرگذار، سهم بسزایی در بیداری مذهبی و سیاسی شیعیان داشته و جایگاه او در دعاها و ادعیه شیعیان به‌عنوان انتقام‌گیرنده خون حسین بن علی (ع)، بیانگر عمق تأثیر این قیام است.



## منابع و مآخذ

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۳۶۴)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالرحمن آیتی، چ اول، نشر دانشکده علوم توانبخشی
  ۲. ابن اعثم، محمد بن علی، (۱۳۹۳) الفتوح، ترجمه محمد وحید گلیایگانی، تهران، چ پنجم، نشر علمی و فرهنگی
  ۳. ابن کثیر، (۱۳۸۵)، البدایه والنهایه، مؤلف نزار آل سنبل قطیفی، قم، چ اول، نشر عاشورا
  ۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد، (۱۳۸۰)، تجارب الامم، تهران، چ اول، نشر سروش
  ۵. اجتهادی، ابوالقاسم، (۱۳۶۳) وضع مالی و مالیه مسلمانان از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران، چ اول، نشر سروش
  ۶. ادیب، عادل، (۱۳۹۲) زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، تهران، چ اول، نشر فرهنگ اسلامی
  ۷. افتخارزاده، محمدرضا، (۱۳۷۸)، اسلام و ایران: مذهب و ملیت ایرانی، تهران، چ اول، نشر رسالت قلم
  ۸. بحرانی پور، علی، عبدالله فاضلی، سجاد کاظمی، علی مرادی، (۱۳۹۷)، تحلیل جنبش سربداران برپایه نظریه کنش جمعی چارلز تیلی
  ۹. بشیریه، حسین، (۱۳۸۵) دیپاچه ای بر جامعه‌شناسی ایران، تهران، چ چهارم، نشر نگاه معاصر
  ۱۰. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۹۹)، فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، چ سوم، انتشارات سروش
  ۱۱. تیلی، چارلز، (۱۳۸۵)، جنبش‌های اجتماعی، ترجمه علی مرشدزاده، تهران، چ اول، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
  ۱۲. تیلی، چارلز، (۱۳۸۹)، جنبش‌های اجتماعی، ترجمه علی مرشدزاده، تهران، چ اول، نشر امام صادق (ع)
  ۱۳. رسول، جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، تهران، چ سوم، نشر علم
  ۱۴. دینوری، احمد بن محمد، (۱۳۹۰) اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر امیرکبیر
  ۱۵. ریاحی، راویز، حسین، (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی غرب و ایران، تهران، چ اول، نشر سنجش علم
  ۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹) تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، چ هشتم، انتشارات امیرکبیر
  ۱۷. رهنما، طاهری قلندر، شهرام، علی کرم (۱۴۰۱) سیمای نظام اموی: نکاپوهای انتقال حکومت از خلافت به سلطنت، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۱، شماره ۲ آذر ۱۴۰۱ صفحه ۱۳۵-۱۴۸
- 10.22034/API.2022.70594
۱۸. سرافراز، علی، مصطفی لعل شاطری، حسین رضائزاد، (۱۳۹۴)، مختار ثقفو زبیریان تفاهم یا تخاصم، فصلنامه تاریخ نو
  ۱۹. شهیدی، جعفر، (۱۳۶۶)، قیام امام حسین (ع)، تهران، چ اول، نشر فرهنگ اسلامی
  ۲۰. شهیدی، جعفر، (۱۳۹۰) تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، چ چهل و ششم، نشر دانشگاهی
  ۲۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۳۸۸)، الارشاد، ترجمه سید حسن موسوی، تهران، چ اول، نشر سرو
  ۲۲. فاطمی، سید حسن، (۱۳۸۴)، کوفیان در عصر امام حسین (ع)، مجله تاریخ پژوهان
  ۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۹۴)، تاریخ الرسل الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۷، چ هفتم، نشر اساطیر
  ۲۴. مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۸)، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج دوم، تهران، چ هشتم، نشر علمی و فرهنگی
  ۲۵. مرادی حسین، (۱۴۰۰)، تحلیل اجتماعی قیام مختار ثقفی از منظر نظریه‌های کنش جمعی، مجله تاریخ اسلام

۲۶. مویدی، مجید (۱۴۰۲) خوانشی تحلیلی - توصیفی بر مبنای فرهنگ ساز تمدن اسلامی در شکل‌گیری نظام اجتماعی، دوفصلنامه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ صفحه ۶۵-۷۵

10.22034/API.2023.705940

۲۷. موسوی، سیدهاشم، (۱۳۹۷)، تحلیل قیام مختار ثقفی عوامل و پدیده‌ها

۲۸. ورداسپی، ابوذر، (۱۳۶۷) ایران در پویه تاریخ، چ اول، نشر قلم

